

شعبیه بهمین، کارشناس مسائل روسیه در گفت و گو با «فرهیختگان» مطرح کرد

جنگ نفتی مسکو به نفع اوپک

اعضای اوپک و ایران است تا نظم بیشتری در بازار بهای نفت شکل بگیرد. در این زمینه با شعبیه بهمین، کارشناس مسائل روسیه گفت و گو کرده ایم. او معتقد است روسیه متوجه تبانی آمریکا و عربستان برای کنار گذاشتن روسیه از بازار انرژی شد و بر همین اساس تولیدش را افزایش داد که هم عربستان از این اقدام ضربه بخورد و هم برای آمریکا و سایر تولیدکنندگان نفت شیل، استحصال نفت صرفه اقتصادی نداشته باشد. متن این گفت و گو را ادامه می خوانید.

حداقل به همان میزانی که تا به حال تولید می کردند، بازار داشته باشند و ناچار نشوند؛ با فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی و امنیتی از بازار خارج شوند. توقف سطح تولید یا ایجاد محدودیت برای تولید، فضای بیشتری را برای سایر کشورها ایجاد می کند تا بتوانند در بازار جهانی انرژی حضور داشته باشند. اگر این محدودیت وضع نمی شد، آمریکایی ها با راهبرد انرژی شان، بازار را قبضه می کردند. ایجاد محدودیت برای تولید نفت شیل به ویژه در مورد تولید نفت آمریکا می تواند فضای تنفس را برای سایر کشورها از جمله تولید کننده های سنتی باز کند. این فرصت مناسبی برای کشورهای عضو اوپک است.

قرار بود روز دوشنبه تولید کنندگان نفت برای تصمیم گیری درباره تولید نفت نشستنی برگزار کنند اما اوپک و روسیه به خاطر اختلاف بر سر اینکه چه کسی مقصر سقوط قیمت نفت است، اجلاس تولید کنندگان نفت را تا پنج شنبه به تعویق انداختند. به نظرتان اوپک و یا اوپک پلاس راضی به کاهش تولید می شوند یا نبرد ادامه پیدا خواهد کرد؟

در دراز مدت همه کشورها ناگزیر هستند که ابعاد سیاسی مساله را کنار بگذارند و به مسائل اقتصادی فکر کنند و در نهایت ناگزیر به سمت تعادل و توازن به این معنا بروند که تولید، متناسب با تقاضایی که در بازار هست، باشد. این به نفع همه تولیدکنندگان نفت است. در دراز مدت و میان مدت این سیاست عقلانی است که همه کشورها ناگزیرند در پیش بگیرند ولی مساله حال حاضر این است که در کوتاه مدت چندین کشور سیاست روس ها می تواند تاثیرگذار باشد. اگر این اقدام تاثیر محدود کننده بر شیل و به ویژه آمریکا داشته باشد، قطعاً با سرعت بیشتری به سمت ایجاد تعادل در بازار حرکت خواهند کرد زیرا در حال حاضر همه تولید کنندگان از پایین بودن بهای نفت آسیب می بینند. برای برخی این آسیب زودتر و برای برخی دیگر به واسطه اقتصاد قدرتمندشان دیرتر است.

در نهایت به این دلیل که همه کشورهای تولید کننده بخشی از درآمد و بودجه شان به واسطه فروش نفت تامین می شود، ناگزیر هستند به سمت ایجاد تعادل در بازار حرکت کنند. به همین دلیل سیاست نهایی و راهبرد نهایی تعادل در قیمت ها خواهد بود. هر چند تعادل می تواند چالش هایی را به دنبال داشته باشد. چون برای آمریکا تعادل نفت بیش از ۵۰ دلار است که استحصال نفت شیل را مقرون به صرفه کند ولی برای روس ها ممکن است نفت چیزی بین ۴۰ تا ۵۰ دلار متعادل باشد. به خصوص که روس ها همین قیمت را در بودجه امسال برای نفت پیش بینی کردند. بنابراین در اینکه کشورها به سمت تعادل حرکت خواهند کرد، تردیدی وجود ندارد ولی در مورد قیمت نهایی نفت اینکه نقطه تعادل چه باشد، اختلاف نظرها باقی است و هر کشوری با توجه به ظرفیت های خودش سعی می کند در این پروسه اثرگذاری داشته باشد.

این اقدام، طرح و برنامه داشته اند. آنها می خواهند آمریکا و شرکای اروپایی اش هم تولیدشان را کم کنند نه اینکه با کاهش تولید هر عضو اوپک، آنها نفت بیشتری در بازارها بریزند. این را می توان از اظهارات ولادیمیر پوتین دریافت. او گفته که کاهش ۱۰ میلیون بشکه ای نفت امکان پذیر است و باید آمریکا هم در کاهش تولید همکاری کند. روس ها تقریباً موفق عمل کرده اند و تا همین جا هم کانادا و نروژ برای کاهش تولید نفت اعلام آمادگی کردند. این اقدام روس ها در واقعیت به نفع

بودند و قصد داشتند از طریق منابع عرضه این سهام، در سایر بخش های اقتصادی به ویژه در طرح نوسازی اقتصادی و صنعتی عربستان سرمایه گذاری کنند. اگر این پروژه شکست بخورد عملاً طرح های بلندپروازانه بن سلمان با شکست مواجه می شود. به همین دلیل آنها جزو بزرگ ترین بازنده های این روند هستند و ناگزیر خواهند شد در سیاست خودشان در بازار نفت تجدیدنظر کنند. در کنار این مساله، سعودی ها در سال های اخیر به ویژه افزایش تنش با ایران، تلاش کردند از نفت به عنوان حربه سیاسی استفاده کنند. آنها در مقاطع مختلف سعی می کردند با کاهش بهای نفت به ایران آسیب بزنند ولی در شرایط فعلی که صادرات نفت ایران پایین آمده، ایران ضرری نمی بیند و در ابعاد سیاسی سعودی ها چیز دلخوش کننده ای گیرشان نمی آید. این مساله سعودی ها را بیش از گذشته نسبت به کاهش روند قیمت نفت نگران کرده است. پس مساله هم به شکل سیاسی و هم اقتصادی برای عربستان مهم است. آنها حس می کنند که سایرین از اقدامات شان آسیب نمی بینند در حالی که خودشان آسیب زیادی می بینند.

از اقدام روس ها اینگونه برداشت می شد که کشورهای تولید کننده نفت از جمله ایران متضرر می شوند اما اگر آن خروجی مدنظر روس ها عملی شود، این اقدام به نفع ایران هم می شود زیرا تولیدش را کم نمی کند ولی آمریکا و کانادا ... باید کاهش تولید داشته باشند.

بله، روس ها دنبال همین پروسه و پروژه هستند. قطعاً این کار به نفع اعضای اوپک خواهد شد. آمریکایی ها دست کم در ۲ سال اخیر تلاش گسترده ای انجام دادند تا بتوانند کشورهایی که به صورت سنتی تولید کننده نفت بودند را از مدار صادرات خارج کنند و جایگزین آنها شوند. اگر روس ها موفق شوند محدودیت صادراتی برای آمریکایی ها به وجود بیاورند، این سیاست می تواند به تمامی کشورهای صادر کننده کمک کند که



شوروی فاصله دارند و بر همین مبنا فعلاً با الگوی رئالیسم تدافعی عمل می کنند و هر جا تهدید می بینند، وارد میدان می شوند. آخرین اقدام روس ها که جهان را تحت تاثیر قرار داد، مخالفت شان با پیشنهاد سعودی ها برای کاهش تولید نفت بود؛ اقدامی که باعث شد سعودی ها بدون توجه به عواقب کارشان تولید نفت را ۲/۵ میلیون بشکه افزایش دهند و باعث شوند قیمت نفت به کمترین میزان در ۲۰ سال گذشته بین ۲۰ تا ۲۵ دلار نوسان داشته باشد. به نظر می رسد روس ها برای

به جای اینکه آمریکا را از بازار خارج کنید، اتحادی ایجاد کنیم و شما مشتریان سنتی خودتان را حفظ کنید و ما هم بتوانیم در بازار جدید حضور پیدا کنیم. به مرور زمان روس ها متوجه این اتحاد ناخوشه و تبانی دو طرف شدند. مخالفت روسیه به کاهش تولید نفت، به همین دلیل بود. روس ها با کاهش تولید نفت موافقت نکردند تا هم سعودی ها و هم آمریکایی ها را آسیب پذیر کنند. اگر قیمت نفت کاهش پیدا بکند، تولید نفت شیل برای آمریکا مقرون به صرفه نیست و شرکت های بزرگ تمایلی برای سرمایه گذاری پیدا نمی کنند. به ویژه اگر بهای نفت زیر ۵۰ دلار باشد، تولید نفت شیل مقرون به صرفه نیست. بخش اعظم بودجه عربستان به نفت وابسته است و آنها بزرگترین تولید کننده و صادر کننده نفت در جهان هستند. کاهش قیمت نفت می تواند سیاست های عربستان در حوزه انرژی و حوزه های دیگر را زیر ضربه ببرد. به خصوص اینکه آنها درگیر یک جنگ چند ساله با یمن هم هستند. روس ها از عدم توافق با عربستان، این هدف را دنبال می کردند که بتوانند اتحاد نفتی سعودی و آمریکا را از بین ببرند و نفت شیل را از مقرون به صرفه بودن خارج کنند. این شرایط بازار را به شکل موجود در آورده است. ضمن اینکه کرونا و کاهش تقاضا هم در این روند دخیل بوده است.

با این وضعیت، نمی توان گفت که شکست مذاکرات کاهش تولید نفت روسیه و عربستان و به دنبال آن افزایش صادرات نفت، پروژه مشترک مسکو و پلاس برای حذف آمریکا از بازار انرژی بوده است؟

این همکاری بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ بین روسیه و عربستان وجود داشت و حتی در سال ۲۰۱۹ هم کم و بیش بین طرفین وجود داشت ولی به این دلیل که سعودی ها دست به تبانی با آمریکا زدند و روس ها این موضوع را فهمیدند، همکاری از بین رفت. آمریکا به واسطه تحریم های سنگین ۲ سال اخیر در حوزه انرژی از جمله تحریم پروژه نورد استریم ۲، به دنبال حذف روسیه از بازار انرژی بود. در حوزه های مختلف روس ها متوجه شدند خودشان هم به نوعی هدف قرار دارند و این آمریکا و عربستان هستند که به بازارهایشان آسیب نمی رسد.

راهبردی که روسیه در پیش گرفت، تا اینجا تقریباً موفق بوده است. در حال حاضر با توجه به هزینه استخراج شیل، تولید این نفت توجیه ندارد و کشورهای دارای نفت شیل، با مشکل مواجه شده اند. پوتین گفته باید ۱۰ میلیون تولید نفت کاهش پیدا کند و آمریکا هم یکی از کشورهای باشد که تولید را کاهش می دهد. او گفته با این همکاری تعادل به بازار بازمی گردد. کانادا به عنوان دومین کشور استخراج کننده شیل، برای این کار اعلام آمادگی کرده است. روسیه با افزایش تولید نفت، تولید

موضوع دیگر تاثیرات گسترده اقتصادی شیوع ویروس کروناست. مشکلات اقتصادی باعث شد بسیاری از کارخانه های اروپایی به تعطیلی کشانده شوند. بنز، بی ام دبلیو، فیات، پژو و رنو شرکت های بزرگ خودروسازی اروپا بودند که تعطیل شدند. صنایع گردشگری در کشورهای اروپایی که در برخی از کشورها منبع اصلی درآمدی دولت بود مانند اسپانیا و فرانسه با مشکلات عدیده ای مواجه شد. فرانسوی ها اعلام کردند تا پایان ماه مارس ۲۰۲۰، ۱۰ میلیارد یورو به خاطر شیوع کرونا تنهادر صنایع گردشگری دچار ضرر شده اند. نتیجه اینکه بحران ها و مشکلات اقتصادی ناشی از کرونا کشورهای اروپایی را به مرحله ای رسانده است که برای حل مشکلات اقتصادی خود پس از بحران کرونا، دچار معضلات جدی خواهند شد و طبیعتاً مشکلات اقتصادی به واگرایی سیاسی و بروز مشکلات میان این کشورها دامن خواهد زد. اتفاق دیگری که افتاد انتقاداتی بود که سران کشورهای اروپایی علیه یکدیگر بیان کردند. کشورهای کوچک تر اروپایی از بزرگان این اتحادیه مانند آلمان و فرانسه توقع ارسال کمک داشتند، اما کمکی دریافت نکردند. کشورهایی که عضو یک اتحادیه یا جامعه اقتصادی و سیاسی می شوند؛ توقع دارند در مواقع بروز بحران، چنین اتحادیه و جامعه ای به کمک آنها بشتابد، چیزی که ما در این ماه های همه گیری کرونا در اروپا، شاهد آن نبودیم.

اتفاق دیگر اختلافاتی است که میان اتحادیه اروپا با اصلی ترین متحد خود یعنی آمریکا، بروز کرد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به وضوح در یکی از سخنرانی های خودش اعلام کرد منبع و منشأ ورود بیماری کرونا در آمریکا، کشورهای اروپایی هستند. ترامپ در یکی از سخنرانی های دیگر خود کشورهای اروپایی را متهم به عدم توانایی در کنترل شیوع کرونا در اروپا کرد. واشنگتن در روزهای نخست بحران کرونا در اروپا، مرزهای خود را به سسوی اتباع کشورهای اروپایی بست و آنها نیز متقابلاً ورود اتباع آمریکایی را ممنوع کردند. با این تحولات باید گفت روابط کشورهای اروپایی با آمریکا نیز به هم ریخته است.

اگر بخواهیم درباره تاثیرات کرونا بر آینده اروپا جمع بندی داشته باشیم باید بگوییم همکاری در اتحادیه تضعیف شده است و ناسیونالیسم بر خلاف مفاد منشور اتحادیه اروپا افزایش پیدا کرده است. تاثیرات سیاسی کرونا باعث شده اختلاف میان اعضا، گسترش یابد. قدرت چانه زنی اتحادیه اروپا به دلیل مشکلات داخلی و اقتصادی در سطح بین المللی کاهش پیدا کرده است و نهایتاً اینکه مشکلات موجود میان اروپا و آمریکا، اتحاد فراتر از تکنیکی این دو مجموعه را در آینده به شدت تضعیف خواهد کرد.

بحران کرونا و آینده اتحادیه اروپا



اتفاقات آن اتحاد و همبستگی میان کشورهای اروپایی را که سعی می کردند خود را یک مجموعه واحد و یا یک ملت واحد نشان دهند با چالش مواجه کرد. بعضی از سران کشورهای اروپایی وضعیت خود را جنگی توصیف کردند. مانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه اعلام کرد ما در یک جنگ شده ایم و شرایط را جنگی اعلام کرد. طبیعتاً در شرایط جنگی یک کشور امکان بسیار کمی برای کمک به دیگر کشورها دارد. نتیجه ای که در پی اعلام وضعیت جنگی در کشورهای اروپایی حاصل شد این بود که آنها بر روی بحران کرونا در داخل مرزهای خود متمرکز شدند و همبستگی میان کشورهای عضو کمزنگ شد.

مصدق امامی
دبیر گروه بین الملل

در حال بازگشت به عرصه بین الملل و انرژی بر آن هستند. دست های خرس روسی از غرب آسیا تا اروپا امتداد پیدا کرده و حتی برای بازگشت به آفریقا هم برنامه هایی دارد. آنها تا بازگشت به سال های قدرت در

در چند هفته گذشته قیمت نفت به دلیل آنچه که از آن به جنگ نفتی عربستان و روسیه یاد می شود، سقوط معناداری داشته و به کمترین میزان در ۲۰ سال گذشته رسیده است. چرا روسیه حاضر به کاهش تولید نفت نشد؟ بررسی این موضوع، نیازمند مرور پارادایم های اصلی موجود در بازار جهانی انرژی و به ویژه بازار نفت است. تا به امروز ۳ پارادایم کلی بر بازار انرژی حاکم بوده است. پارادایم اول، رقابت بین کشورهای تولید کننده و کشورهای مصرف کننده در سطح بین الملل بوده است. در این پارادایم، مباحث تعیین قیمت و میزان عرضه و تقاضا موضوع مورد اختلاف و رقابت بین دو طرف بوده است. تشکیل ساز و کارها و ساختار بزرگی مثل اوپک از طرف کشورهای تولید کننده نفت و تشکیل سازمان جهانی انرژی در طرف کشورهای مصرف کننده، خروجی این وضعیت بوده است. بنابراین رقابت اولیه در بازارهای جهانی بین تولید کننده و مصرف کننده بود.

در پارادایم دوم، یک رقابت جدیدی بین کشورهای تولید کننده شکل گرفت. به این معنا که با پیشرفت های کشورهای توسعه یافته در زمینه استخراج و استحصال نفت شیل، عملاً بین تولید کنندگان سنتی و استخراج کنندگان نفت شیل رقابت به وجود آمد. در حال حاضر آمریکا و کانادا بیشترین میزان نفت شیل را استخراج می کنند. با به میدان آمدن این رقیب، کشورهایی که به صورت سنتی نفت تولید می کردند، ناگزیر شدند برای ایجاد تعادل در بازار با هم همکاری کنند. شکل گیری اوپک پلاس و همکاری روسیه با کشورهای عضو اوپک در همین دوره شکل گرفت. این اتحاد بعد از افت بزرگ بهای نفت در سال ۲۰۱۴ تا حد زیادی موفق شد قیمت ها را به تعادل برساند.

در سال های اخیر و به ویژه بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، استراتژی انرژی آمریکا که خیلی در حوزه صادرات نفت اقدام نمی کرد، تغییر کرد و صادرات انرژی به صورت جدی دنبال شد. در این نقطه رقابت اصلی بین تولید کنندگان نفت سنتی و شیل برای کسب بازار شکل گرفت. سومین پارادایم، حفظ و کسب بازارهای جدید شد؛ چرا که میزان عرضه و صادرات افزایش پیدا کرد و رقابت برای حفظ بازارهای قدیمی و کسب بازارهای جدید به وجود آمد. به واسطه همین پارادایم آمریکایی ها وارد تحریم نفتی ایران شدند و تلاش کردند صادرات نفت ونزوئلا را به پایین ترین حد برسانند. در لیبی با ادامه بحران همین سیاست را پیش می برند تا نفت این کشور از بازار خارج شود. همه این اقدامات با هدف حضور آمریکا و شرکتش در بازار انرژی به عنوان تولید کننده نفت شیل است.

در چنین شرایطی، آمریکا به جای اینکه با سعودی ها در بازار انرژی به عنوان یک تولید کننده نفت شیل در برابری تولید کننده نفت سنتی رقابت کند، اقدام دیگری کرد. ترامپ نوع نگاه نفتی آمریکا به عربستان را تغییر داد و به ریاض پیشنهاد داد

مجید عباسی
عضو هیات علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

ویروس کرونا در سطح جهان گسترش پیدا کرده و لاجرم پیامدهای مختلفی را بر کشورهای گوناگون و مجموعه های سیاسی مختلف تحمیل کرده است. هدف این نوشته نیز بررسی پیامدهای سیاسی گسترش شیوع کرونا بر اتحادیه اروپا است. یکی از مهم ترین اهداف شکل گیری اتحادیه اروپا، توسعه همکاری میان کشورهای عضو بود. از همان زمان کشورهای اروپایی تصمیماتی در راستای همکاری بیشتر گرفتند. ایجاد واحد پولی مشترک که بعدها یورو بر اثر آن به وجود آمد؛ کمزنگ کردن مرزهای ملی که باعث ایجاد پیمان شنگن شد؛ تشکیل پلیس واحد اروپایی؛ ایجاد پارلمان و کمیسیون اروپا؛ نشست های دوره ای سران اروپا و تشکیل جامعه اتنمی اروپا با این هدف شکل گرفت که به همکاری در بین اعضای اتحادیه اروپا کمک کند. از زمانی که ویروس کرونا در کشورهای اروپایی به خصوص ایتالیا و اسپانیا گسترش پیدا کرده است به نظر می رسد این اتحادیه در مدیریت بحران کرونا دچار ضعف هایی شده و این مشکلات قدرت بازگرمی اتحادیه اروپا در سطح روابط بین الملل را کاهش داده است. حتی دبیر کل سازمان بهداشت جهانی نیز در صحبت های خود به چنین موضوعی اشاره داشت و اعلام کرد اکنون اتحادیه اروپا و مجموعه کشورهای اروپایی به منطقه اصلی بحران کرونا در جهان تبدیل شده اند و این مساله ناشی از ناهماهنگی میان کشورهای اروپایی است.

کشورهای اروپایی هنگامی که بحران کرونا گسترش پیدا کرد و کشورهایی مانند ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و آلمان درگیر آن شدند، سیاست واحد و مشخصی برای مقابله و مدیریت این بحران نداشتند. به گونه ای که هر کدام از این کشورها سیاست خود را پیگیری می کرد. به تدریج توافق توسعه بحران کشورهای اروپایی متوجه خطراتی که شیوع کرونا برای قاره سبز دارد، شدند و از اینجا به بعد بود که بزرگان اتحادیه اروپا مانند آلمان و فرانسه برای کنترل بحران ورود پیدا کردند. اما این کنترل با هدف کمک به کشورهای به شدت درگیر با کرونا، دنبال نشد. برای مثال وقتی که آلمانی ها برای کنترل کرونا اقدامی کردند، وزیر کشور آلمان اعلام کرد در مرزهای این کشور برای ورود اتباع برخی از کشورهای اروپایی ممنوعیت هایی ایجاد شده